



### امام کسی است که در تمام طول عمر خود گناه نکرده باشد

امام کسی است که از ضلالت و معصیت مصون باشد و در تلقی معارف الهیه و الهامات رحمانیه اشتباه نکند و متن واقع در قلب او منعکس گردد.

امام کسی است که از ضلالت و معصیت مصون باشد و در تلقی معارف الهیه و الهامات رحمانیه اشتباه نکند و متن واقع در قلب او منعکس گردد.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: آیت الله سید محمدحسین حسینی طهرانی، فقیه، عارف و از شاگردان علامه طباطبایی بود. آیت الله طهرانی بیشتر با مباحث عرفانی شناخته شده است، اما وی در سال‌های حضورش در تهران که همزمان با نهضت اسلامی امام خمینی بود، با حمایت کامل از نهضت، به سازماندهی نیروهای مبارز پرداخت. «رسالة لبّ اللباب فی سیر و سلوک اولی الألباب» از آثار ایشان است.

مرحوم علامه طهرانی در جلد اول کتاب امام شناسی به بیان لزوم پیروی از حق می پردازد و یکی از احکام فطری و عقلی را لزوم متابعت از حق می داند.

قال الله الحكيم في كتابه الكريم ﴿أَقَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ قَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾

از مباحث گذشته روشن شد امام کسی است که ذاتاً هدایت به حق یافته باشد، براین اساس امام کسی است که از ضلالت و معصیت مصون باشد، یعنی اوّلًا در تلقی معارف الهیه و الهامات رحمانیه اشتباه نکند و متن واقع در قلب او منعکس گردد، بدون تَوَسُّل و اضطراب، و دخالت نفس که آن را به صورت دیگری جلوه داده، و تفسیر بنماید؛ و ثانیاً در ابلاغ احکام و هدایت مردم از نقطه نظر ظاهر و باطن در راه مستقیم آنها را حرکت دهد، سوّم آنکه خود گرفتار ظلم به نفس و معصیت نباشد.

از ذیل آیه شریفه راجع به حضرت ابراهیم که تقاضای آن را برای ذریه می کند، استفاده می شود که امامت به ستمگر و ظالم نمی رسد؛ چون ظالم در آیه، مطلق آمده است: لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ یعنی عهد من به کسانی که ظلم کرده باشند گرچه آن ظلم مختصر باشد نمی رسد؛ و بر عکس به کسانی که به نحو مطلق ظالم نباشند خواهد رسید و این عین عصمت است. امام کسی است که در تمام طول عمر خود گناه نکرده باشد، و کسی که گناه کوچکی گرچه در بعضی احوال از او سر زده باشد، یا ظلم و شرکی از او بروز کرده باشد، گرچه بعداً توبه نموده باشد، و اثر گناه از بین رفته باشد امام نخواهد بود.

حضرت طباطبایی در تفسیر آیه لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ می فرماید: از بعضی از استادان ما راجع به دلالت این آیه شریفه بر عصمت امام چون سوال شد، در جواب چنین فرمود: که مردم به حسب تقسیم عقلی از چهار دسته خارج نیستند: اوّل کسانی که در جمیع طول عمر ظالم باشند. دوّم کسانی که در تمام طول عمر خود پاک و منزه از گناه بوده، و لحظه ای ظلم نکرده باشند. سوّم کسانی که در اول عمر خود ظالم بوده، و در آخر عمر خود توبه نموده، و هدایت خدا به او رسیده باشد. چهارم بعکس، کسانی که در اوّل عمر پاک و بی گناه بوده، ولی در آخر عمر خود مبتلای به معصیت و گناه شده اند.

حضرت ابراهیم شأنش أجلّ از آن است که از خداوند سوال کند که امامت را در قسم اوّل و چهارم قرار دهد، و هیچ گاه چنین پیشنهادی از آن حضرت دیده نمی شود که برای کسی که در تمام مدّت عمر یا در آخر آن دچار معصیت است. منصب امامت تقاضا نماید؛ می ماند دو صنف دیگر که مورد سوال آن حضرت واقع شده اند، یکی آنکه در تمام عمر پاک و معصوم از گناه بوده، و دیگر آنکه در آخر عمر خود پاک و منزه از گناه شده است.

از این دو صنف خدا می فرماید من عهد خود را به ظالمین از آنها نمی دهم، معلوم می شود که دسته ای که در اوّل عمر خود گناه کرده اند، گرچه در آخر عمر خود توبه نموده و هدایت الهی از آنها دستگیری نموده است، باز هم عنوان ظلم به نحو موجه جزئی بر آنها منطبق است، و چون امامت به آنها داده نشود فقط می ماند یکدسته، و آن آنهایی هستند که در تمام مدّت عمر، منزه از گناه بوده اند و این همان معنی عصمت است.